

تبیین پیامدهای ژئوپولیتیک عادی سازی روابط ترکیه-ارمنستان

علی ولی قلی زاده^۱

کاظم ذوقی بارانی^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۵/۹

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۸

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره یازدهم - تابستان ۱۳۹۰

چکیده:

این مقاله با بررسی روابط گذشته و حال ترکیه-ارمنستان، روند عادی سازی روابط، و مطالعه مهم ترین عوامل تأثیرگذار در مناسبات بین دو کشور، پیامدهای سیاسی-اقتصادی عادی سازی این روابط را در گستره منطقه از دید ژئوپولیتیک تحلیل می کند. نتایج تحقیق نشان می دهد بهبود مناسبات ترکیه با ارمنستان تنها زمانی برای ترکیه مفید خواهد بود که در عادی سازی روابط منافع ملی سایر کشورهای منطقه را لحاظ کند، چون نادیده گرفتن آن موجب از دست رفتن منافع ترکیه در مناسبات با آذربایجان و گرجستان خواهد شد. از دید قدرت های صاحب نفوذ در منطقه نیز پیامدهای احتمالی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان با پیچیدگی هایی خاص همراه است. در پی بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان احتمالاً شاهد نوعی توازن نفوذ بین قدرت های ذی منفعت در منطقه خواهیم بود.

واژگان کلیدی

ترکیه، ارمنستان، عادی سازی روابط، ژئوپولیتیک

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس،

مقدمه

از زمان شکل‌گیری ترکیه جدید موضوع مناسبات با کشورهای همسایه در سیاست خارجی این کشور مطرح بوده است. تا این اواخر، روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه در مرزهای غربی با یونان و بلغارستان، مرزهای جنوب شرقی با سوریه و عراق و مرزهای شرقی با ایران و ارمنستان بسیار ضعیف بود. بین کشورهای هم‌مرز با ترکیه، ضعف در روابط با ارمنستان در قیاس با سایر دولت‌های هم‌مرز کاملاً محسوس بود و شاید بتوان گفت هیچ نوع مناسبتی بین دو کشور برقرار نبوده است. در واقع، ترکیه پس از اقدام ارمنستان در اشغال قره باغ، از آوریل ۱۹۹۳ مرزهای هوایی و زمینی خود را روی ارمنستان بسته است (Demirag, 2006: 57). مسئله قره باغ به عنوان مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی آذربایجان نقشی تعیین‌کننده در مناسبات ترکیه با ارمنستان بازی می‌کند، چون آذربایجان به لحاظ دینی، فرهنگی، تاریخی و زبانی اشتراکات بسیاری با ترکیه دارد. علاوه بر این، ارمنستان هنوز معاهده قارص را به عنوان قرارداد تعیین خط مرزی بین ارمنستان و ترکیه به رسمیت نمی‌شناسد. به دلیل کاربرد اصطلاح «ارمنستان غربی» در پاراگراف ۱۱ از بیانیه استقلال ارمنستان، ادعاهای سرزمینی ارمنی‌ها در خصوص بخش بزرگی از آناتولی شرقی از مسائل تأثیرگذار بر روابط دوجانبه به شمار می‌رود. یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در تضعیف مناسبات بین دو کشور تبلیغ گسترده دیاسپورای ارمنی در عرصه بین‌المللی و ادعای «نسل‌کشی» ارمنی‌ها به دست ترک‌هاست که به لحاظ سیاسی و اقتصادی ترکیه را آماج فشارهای بین‌المللی قرار داده است (Çandar, ۲۰۰۹: ۲۱۵).

به رغم تبعات حاصل از این روابط خصومت‌آمیز که سیاست ملی هر دو کشور به ویژه ارمنستان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، سرانجام ترکیه و ارمنستان با گذشت سالها کشمکش و جنجال و بر اساس اهداف راهبردی خاص تصمیم گرفتند با عادیسازی روابط دوجانبه دوری تازه از همکاری‌های دسته‌جمعی را در قفقاز جنوبی شروع کنند. هر چند این تلاش‌ها تاکنون بی‌نتیجه بوده و روند عادی‌سازی به نوعی به حالت تعلیق درآمده است، شکی نیست که تداوم این روند و عادیسازی مناسبات طرفین با پیامدهای ژئوپولیتیکی خاصی در منطقه همراه خواهد بود که پرداختن به آنها دورنمایی از مناسبات منطقه‌ای



و برون منطقه ای در قفقاز جنوبی را به تصویر می کشد.

با توجه به اختلافات بین ترکیه و ارمنستان و شرایط ژئوپولیتیک حاکم بر قفقاز جنوبی به ویژه مشکلات ژئوپولیتیک ارمنستان با آذربایجان و انزوای ژئوپولیتیک ارمنستان به وسیله آذربایجان و ترکیه که بیشتر متأثر از شکل و موقعیت جغرافیایی نامناسب ارمنستان (ارمنستان بیشترین خطوط مرزی را با آذربایجان و ترکیه دارد) است، هم چنین به دلیل اهمیت راهبردی منطقه در معادلات ژئوپولیتیک قدرتهای بزرگ، و موقعیت انتقالی و مواصلاتی منطقه در زمینه ژئوپولیتیک انرژی و تبادلات تجاری- اقتصادی و از همه مهم تر موضوع امنیت منطقه که تمام واقعیت های ژئوپولیتیک منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده، طبیعی است افزایش روزافزون اهمیت قفقاز جنوبی لزوم بازبینی در روابط ترکیه- ارمنستان را در پی داشته باشد. در همین راستا، در این مقاله پیامدهای عادی سازی روابط ترکیه- ارمنستان از دید ژئوپولیتیک مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که عادی سازی روابط ترکیه- ارمنستان با چه پیامدهای ژئوپولیتیک در منطقه همراه خواهد بود؟

روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی- تحلیلی است. به دلیل عدم دسترسی به منابع جدید، تحلیل فوق بر اساس داده های آماری سال- های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ است که این آمار از سایت سازمان ملل گرفته شده است.

بنیان نظری پژوهش

از منظر ژئوپولیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرایند تحقیق بر نظمی منطقی و در روند تحلیل بر بهره گیری از فعالیت هایی استوار است که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت آثار خود را در صحنه سیاسی محیط جغرافیایی بر جا نهاده اند. از این رو، میتوان از تحلیل ژئوپولیتیک مناطق و حوزه های نقش آفرینی بازیگران به عنوان ابزاری مناسب در اتخاذ سیاست های عملی دولتها یاد کرد (داداندیش، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۸). البته وجه کاربردی ژئوپولیتیک ناظر بر کاربرد معرفت علمی ژئوپولیتیک در راستای رفع نیازهای جوامع بشری است که همانند سایر گزاره ها و نظریه های معماری شده تا حد زیادی تابع جهان بینی، ایدئولوژی، نگرش و علایق کاربران است (حافظنیا، ۱۳۸۶: ۱). کاربرد عملی

ژئوپولیتیک یا به عبارتی، احساس غریزی امکانات ژئوپولیتیک و درک تأثیر عمیق آن بر توسعه سیاسی قدمتی طولانی دارد. در حقیقت، بینش ژئوپولیتیکی به رهبران شهامت هدایت مردم در مسیری داد که قبلاً هرگز طی نکرده بودند. بدین ترتیب، کشورهای قدرتمند جدید نمایان شدند و خالقان آنها با حساسیت به جای رهبران سیاسی شان نیازهای ضروری ژئوپولیتیک زمان را به خوبی درک کردند. در واقع، تنها ژئوپولیتیک به رهبران سیاسی بصیرت لازم را برای شناخت نیازهای واقعی به منظور درک درست جهان می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد خود را مطرح کنند. این علم بین سیاست و جغرافیا ارتباط برقرار می‌کند و سیاست‌ها را از نظریه‌های بی حاصل و عبارات بی معنی که ممکن است رهبران سیاسی را در مخرجه آرمان‌های بی فایده و غیرواقعی گرفتار سازد، رها می‌کند. ژئوپولیتیک رهبران را قانع می‌کند که به سرزمین متحد و یکپارچه توجه کنند (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۱). بنابراین، برخلاف ژئوپولیتیک سنتی، ژئوپولیتیک جدید میتواند برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی و برقراری صلح مفید باشد. ژئوپولیتیک جدید بر تکامل جهان سیاسی به عنوان سیستم به هم پیوست‌های در مقیاسهای مختلف، از سطح محلی تا ملی و فراملی تأکید و تمرکز دارد و کنش متقابل فضایی و فرایندهای سیاسی در تمام سطوح (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) سیستم ژئوپولیتیکی بین‌المللی را قالب‌ریزی و ایجاد می‌کند (Cohen, 1990: 17).

روابط ترکیه-ارمنستان

برای ارزیابی روابط ترکیه-ارمنستان نیاز است بدانیم چگونه این دو جامعه متفاوت به رغم سالها زندگی در کنار یکدیگر از هم جدا شدند؟ فضای سرد کنونی در روابط دو کشور ناشی از چه مشکلاتی است؟ منبع اصلی این مشکلات چیست؟

دوره عثمانی و تاریخچه مسئله ارمنی‌ها

مشکلات ترکیه با ارمنستان با شورش ارمنی‌های مقیم دولت عثمانی شروع شد. دلیل اصلی این شورشها به معاهده صغیر کاینارجا در سال ۱۷۷۴ برمی‌گردد. بر اساس این معاهده، روسیه حق دخالت در امور داخلی ترکیه را به دست آورد. متعاقب آن، طبق قانون اصلاحات که در ۲۸ فوریه ۱۸۵۶ اعلام شد، حقوق تبعه سایر ادیان در دولت عثمانی بهبود یافت و به محض ضمیمه شدن این قانون به عهدنامه پاریس، علاوه بر روسیه عرصه برای دخالت سایر کشورهای غربی در



امور داخلی عثمانی فراهم آمد (Şimşir, 2005, 12-19). هم‌چنین در معاهده برلین که در ۱۳ ژوئیه ۱۸۷۸ پس از جنگ ۱۸۸۸-۱۸۷۷ عثمانی- روس به امضا رسید، انگلیس و روسیه با مشارکت یکدیگر حکم زیر را در معاهده فوق جای دادند: «ماده ۶۱: دولت عثمانی متعهد میشود اصلاحات و ترتیبات مورد نیاز ارمنی‌ها در سرزمینهای تحت سکونت آنها را به جای آورد و از امنیت و آسایش ارمنی‌ها در مقابل کردها و چرکسها محافظت کند.»

به موجب این معاهده، ارمنی‌ها بیش از پیش تحت حمایت و پشتیبانی دولتهای بزرگ قرار گرفتند و بدین ترتیب، در قرن نوزدهم سعی کردند هم‌زمان با تحریک گروههای هینچاک و داشناک با ایجاد اغتشاش اندیشه دولت ملی و رؤیای ارمنستان بزرگ را در سرزمین آناتولی تحقق بخشند (Ibid, PP. 20 – 22). هم‌زمان با تداوم جنگ جهانی اول، ارمنیان که از همکاری روسیه برخوردار بودند، با راه‌اندازی شورش‌های بزرگ در شرق آناتولی مردم منطقه را مورد تهاجم قرار دادند. دولت عثمانی برای مقابله با مسائل به وجود آمده، در سال ۱۹۱۵ تصمیم گرفت با توسل به رویکرد جابه‌جایی ارمنیان ساکن آناتولی به خارج منطقه از گسترش مشکلات جلوگیری کند. در واقع، مسئله ارمنی‌ها که در حال حاضر با عنوان موضوع «نسل‌کشی» منعکس میشود با این رویداد شروع شد. به اعتقاد مورخان ارمنی، حکومت وقت عثمانی با این حرکت در مسیر از بین بردن اتحاد و توسعه دولت عثمانی گام برداشت و با این هدف ارمنی‌ها را به استقبال از مرگ راهی بیابان‌های بین‌النهرین کرد. از دید آنها، این قانون در فاصله زمانی بسیار کوتاه ظرف ۴۸-۲۴ ساعت به اجرا درآمد. در حقیقت، سوءبرداشت ارمنی‌ها از همین جاست و طبق اسناد دوره عثمانی، کسانی که ظرف این دو روز سرکوب شدند روستاییان نبودند، بلکه اعضای انجمن شورشی علیه دولت عثمانی بودند (Çiçek, 2009:15).

روابط ترکیه-ارمنستان و روند عادی سازی مناسبات دوجانبه

ارمنستان که ضعیف‌ترین روابط را با ترکیه بین کشورهای همسایه دارد، در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی استقلال خود را به دست آورد. ترکیه از نخستین دولتهایی بود که در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت و حتی از ارسال کمکهای بشردوستانه به این کشور نوپا دریغ نکرد. در سال ۱۹۹۲ ترکیه علاوه بر فروش غلات به ارمنستان، نیاز برق این کشور را برطرف کرد، چون ارمنستان تحت فشارهای تحریم نفتی آذربایجان شرایط دشواری را سپری میکرد (Demirağ, 74). ظاهراً دولت ترکیه می‌خواست



با اتخاذ رویکردهایی بشردوستانه و به تبع آن توسعه مناسبات دوجانبه با ارمنستان، ضمن برقراری ارتباط مستقیم با کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی از طریق خاک ارمنستان- آذربایجان، از فشارهای دیاسپورای ارمنی‌های جهان در عرصه بین‌المللی علیه ترکیه بکاهد. ترکیه هم‌چنین میخواست با خارج کردن ارمنستان از حوزه نفوذ روسیه، گام‌هایی جدی‌تر در مسیر حل مسئله قره‌باغ بردارد. دولت ترکیه حتی قبل از اعلان استقلال ارمنستان در آوریل ۱۹۹۱ با ارسال ولکان وورال، سفیر خود در مسکو، به ایروان برای مذاکره درباره راه‌های توسعه مناسبات دوجانبه تمایلات خود را برای برقراری روابط حسنه با دولت نوپای ارمنستان ابراز کرد. این دیدار اولین دیدار مقامات سطح بالای ترکیه از ارمنستان بود (Özbay, 2011: 3).

از آنجا که تمام کشورها سعی دارند در منطقه خود با کشورهای مطرح و قدرتمند و نیز کشورهای برخوردار از موقعیت راهبردی- ترانزیتی تجاری، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی پایدار و توانمند رابطه برقرار کنند (واقعیت- های ژئوپولیتیکی به خصوص موقعیت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، مناسبات طرفین با سایر کشورها و... در برقراری این ارتباطات نقش محوری بازی میکند) (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲)، دولت پتروسیان، اولین رئیس‌جمهور ارمنستان، نیز در سال‌های نخست استقلال این کشور، از عادی‌سازی مناسبات بین ارمنستان- ترکیه به عنوان بهترین انتخاب برای برقراری ارتباط مستقیم با جهان غرب و توسعه اقتصادی کشور حمایت می‌کرد (Güngör, 2008: 18). پتروسیان به منظور مقابله با رویکردهای منفی در رسانه‌های ارمنستان مبنی بر معرفی ترکیه به عنوان تهدید جدی علیه ارمنستان و نیز تعصبات تاریخی بی‌جا و برداشت‌های غلط هر دو طرف از یکدیگر تلاش‌های زیادی کرد. وی حتی وعده داد از ادعاهای سرزمینی قیدشده در بیانیه استقلال ارمنستان جلوگیری کند. پتروسیان در بخشی از سخنان خود با ولکان وورال می‌گوید: «هرگز نمی‌توانم گذشته را فراموش کنم، با این حال، با چنین گذشته‌های نمی‌خواهم به زندگی ادامه دهم. می‌خواهم آینده خوبی برای فرزندانمان تدارک ببینم» (International Crisis Group, 2009: 2).

در این راستا، در مقطع زمانی بسیار کوتاه روابط حسنه دو کشور همسایه همراه با دعوت ترکیه از ارمنستان برای عضویت در سازمان همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه که خود مؤسس آن ادامه یافت. با اینکه در سال‌های اول نخست‌وزیری پتروسیان روابط دوجانبه حسنه برقرار بود، وزارت خارجه ترکیه با برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور موافقت نکرد و در سال ۱۹۹۳ با تشدید بحران



قره باغ و اشغال منطقه توسط ارمنستان، ترکیه برای جلوگیری از پیشروی سریع نیروهای نظامی ارمنستان در خاک آذربایجان با رد هرگونه پیشنهاد کشورهای غربی برای استفاده از خاک ترکیه و مسیر هوایی آن برای ارسال کمکهای بشردوستانه به ارمنستان تمام مرزهای خود را روی این کشور بست (Demirağ, 75).

به رغم این روند، ترکیه در سال ۱۹۹۵ برای ابراز حسن نیت خود و ازسرگیری مناسبات با ارمنستان بار دیگر ارتباط هوایی بین استانبول و ایروان را برقرار کرد. در عین حال، با دستور دولت ترکیه در اقدامی دوستانه کار مرمت و بازسازی آثار فرهنگی و هنری ارمنی‌ها در مناطق مختلف ترکیه آغاز شد (Özbay, 4). اما این اقدامات در مسیر عادیسازی مناسبات بین دو کشور مؤثر واقع نشد و بار دیگر در سال ۱۹۹۸ با روی کار آمدن روبرت کوچاریان روابط دو کشور وارد مرحله‌ای بسیار سخت شد. کوچاریان با تأکید بر اینکه به رسمیت شناختن موضوع نسل‌کشی ارمنی‌ها توسط ترکیه در عرصه بین‌المللی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی ارمنستان است، سیاست سخت‌گیرانه‌تری در قبال ترکیه پیش گرفت (Lütem, 2007: 1033). در همین دوره زمانی، اعضای اتحادیه اروپا نیز پس از نشست کمیسیون همکاری پارلمانهای اتحادیه اروپا-ارمنستان در سال ۲۰۰۱ در بروکسل، با دعوت از ترکیه و آذربایجان برای لغو تحریم‌ها علیه ارمنستان اعلام کردند تداوم روند موجود به شدت عضویت ترکیه را در اتحادیه اروپا با مشکل روبه‌رو خواهد کرد (Demirağ, 75). در این چارچوب، پارلمان اروپا در گزارش اختصاصی ترکیه در ۶ اکتبر ۲۰۰۴ گزارشی را به تصویب رساند که موضوع «نسل‌کشی» ارمنی‌ها به دست دولت ترکیه را تأیید می‌کرد (Şimşir, 238). البته ترکیه برای رهایی از اعمال چنین فشارهایی از سوی جامعه بین‌المللی پیشنهاد کرده است آرشیوهای دولتی طرفین باز شوند و کمیته‌های از کارشناسان و گروهی از مورخان بی‌طرف به بررسی این موضوع بپردازند. اما دولت ارمنستان بر این اعتقاد است که اختلافات بین ترکیه و ارمنستان سیاسی است و مورخان نمیتوانند آن را حل کنند. به عبارتی، ارمنستان از هرگونه تحقیق علمی درباره «ادعای نسل‌کشی» خودداری میکند. اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، در سخنرانی در سال ۲۰۰۸ در این خصوص می‌گوید: «ما در اتحادیه اروپا نیز همواره با این موضوع روبه‌رو هستیم. ادعاهای بی‌مورد هیچ‌وقت نتیجه نمی‌دهد. اگر طرف مقابل در ادعاهای خود صادق است، ما اسناد خودمان را در معرض نمایش قرار دادیم. شما هم بیایید اسناد خود را به نمایش بگذارید. اجازه



دهید گروهی از مورخان این اسناد را بررسی کنند. در ادامه هر اقدامی که لازم آمد آن را انجام خواهیم داد» (Fakir, 2005).

با اینکه مسائل موجود همچنان از سردی مناسبات دوجانبه در آینده حکایت دارد، دو کشور، به ویژه دولت ترکیه، در طول دو دهه گذشته در برخی برهه‌ها اقدامات بسیاری برای عادی سازی مناسبات انجام داده‌اند. از مهم‌ترین این اقدامات میتوان به تشکیل «شورای توسعه همکاریهای تجاری بین ترکیه-ارمنستان»^۱ در چارچوب شورای همکاریهای اقتصادی دریای سیاه اشاره کرد که سازمانی غیردولتی است و هدف اصلی از تشکیل آن برقراری تجارت مستقیم و همکاری بین دو کشور است (Kyureghian, 2004:2). هم‌چنین در سال ۲۰۰۷ در چارچوب تلاش‌های دولت ترکیه برای برقراری ارتباط با ارمنستان کلیسای آکدامار در ترکیه پس از مرمت و بازسازی با حضور گایگ گرجیان، معاون وزیر فرهنگ ارمنستان، و چند تن از همراهان او به عنوان موزه آثار تاریخی و هنری ارمنی‌ها به روی علاقه‌مندان گشوده شد. در همین سال، مسافرتهاى هوایی بین ایروان و آنتالیای ترکیه دوباره برقرار شد. علاوه بر این، سال ۲۰۰۸ با توجه به اقدامات انجام‌گرفته برای عادی‌سازی مناسبات دوجانبه از جمله به کارگیری «دیپلماسی پنیر» و «دیپلماسی فوتبال» سال مهمی محسوب میشود (Özdal, 2009:70). بدین ترتیب، برای برقراری صلح و ازسرگیری مجدد مناسبات اقتصادی بین ترکیه و ارمنستان طرحی با عنوان «پنیر قفقاز»^۲ ارائه شد که هدف از آن برقراری صلح و همکاری در قفقاز با ازسرگیری مناسبات بین ترکیه و ارمنستان بود (The Economist, 2008: 45). علاوه بر این، حضور عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه، در ۵ سپتامبر ۲۰۰۸ برای تماشای مسابقه فوتبال بین تیمهای ملی ترکیه-ارمنستان از تلاشهای مهم دیگر ترکیه برای عادی سازی روابط با ارمنستان به شمار می‌آید. در مقابل، سارکسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان، با حضور در ترکیه در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۹ به منظور تماشای بازی برگشت به روند عادی سازی مناسبات دوجانبه پاسخ مثبت نشان داد (MFA, 2009).

نقطه اوج این روند اقدام وزیران امور خارجه ترکیه و ارمنستان در امضای موافقت‌نامه پنج ماده‌ای در اکتبر ۲۰۰۹ با میانجی‌گری سوئیس بود که در آن بر عادی سازی مناسبات، بازگشایی مرز، شناسایی قرارداد قارص و بررسی مشترک

1. Turkish-Armenian Business Development Council (TABDC)
2. A Caucasian Cheese Circle



موضوع کشتار ارمنی‌ها در سال ۱۹۱۵ تأکید شده است. بر این اساس، دو کشور دو پروتکل تنظیم و در مورد آنها توافق کرده‌اند. پروتکل اول در خصوص ازسرگیری روابط دیپلماتیک و پروتکل دوم در باب توسعهٔ مناسبات در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف است که هر یک دارای مفاد و بندهای مختلفی است که از مهم‌ترین آنها میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- شناسایی متقابل مرز بین دو کشور بر اساس حقوق بین الملل؛

- بازگشایی مرز مشترک؛

- تعهد دوباره به اجتناب از هر نوع اقدام سیاسی که با روابط حسن هم‌جواری سازگار نباشد.

- برقراری روابط حسن هم‌جواری با هدف خدمت به مردم و توسعه روابط دوجانبه در حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره...؛

- برقراری ارتباط دیپلماتیک از زمان اجرای پروتکل و گشایش متقابل نمایندگی دیپلماتیک (Ibid).

از این پروتکل ها به عنوان اقدامات تاریخی برای توسعه روابط بین دو کشور یاد میشود. قرار بود پروتکل ها پس از امضا به پارلمانهای طرفین فرستاده شوند و پس از تصویب پارلمانها قابلیت اجرایی یابند. اما در آوریل ۲۰۱۰ ارمنستان با صدور بیانیهای اعلام کرد: «با توجه به اینکه پارلمان ترکیه در مهلتی معقول پروتکلها را تصویب نمیکند، ضروری است روند اجرای پروتکل ها با ترکیه را متوقف کنیم.» در این بیانیه تأکید شده است تا زمانی که آنکارا برای پیگیری روند اجرای پروتکل های عادیسازی مناسبات بدون پیش شرط آماده نشود، مذاکرات درباره این مسئله در پارلمان ارمنستان از دستور کار خارج می‌شود. ناگفته نماند که دیوان عالی ارمنستان در ژانویه ۲۰۱۰ هر دو پروتکل را قانونی خوانده بود. هر چند ارمنستان تأکید کرده است که پروتکل ها را لغو نکرده و تنها به تعلیق روند عادی سازی پرداخته است، ترکیه تاکنون از تصویب هر دو پروتکل در پارلمان خودداری کرده است.

اگرچه ترکیه از اقدام ارمنستان در توقف روند عادی سازی انتقاد کرده و از این روند نگران است، اما واقعیت این است که مقامات آنکارا برای تصویب پروتکل ها در پارلمان با مشکلات اساسی مواجه هستند که مهم‌ترین آنها تلاش احزاب مخالف برای بهره گیری از این موضوع به منظور تضعیف دولت و نیز تحقق نیافتن سناریو ترکهاست. ترکها برای کاهش انتقادات گسترده مردم جمهوری آذربایجان تلاش داشتند با برگزاری نشست های سه‌جانبهٔ جمهوری آذربایجان،

ارمنستان و ترکیه درباره قره باغ، مسئله بازگشایی مرز با ارمنستان را با آزادی پنج شهرستان از هفت شهرستان اشغالی جمهوری آذربایجان در خارج از قره باغ هم‌زمان سازند تا هم افکار عمومی را از سرگیری مناسبات ترکیه با ارمنستان منحرف سازند و هم این‌گونه القا کنند که تحرکات آنکارا درباره عادی سازی مناسبات با ارمنستان به نفع جمهوری آذربایجان در قره باغ است.

در کل، روند عادی سازی مناسبات بین ترکیه و ارمنستان که پس از امضای دو پروتکل برقراری مناسبات دیپلماتیک و توسعه مناسبات دوجانبه شدت یافته بود، با بی‌انیه غیرمنتظره دولت ارمنستان متوقف شد و با این اقدام ضربه ای جدی به روند عادی‌سازی مناسبات طرفین وارد آمد. هم‌چنین اعلام دیوان عالی ارمنستان مبنی بر اینکه تصویب پروتکل‌ها به معنای چشم‌پوشی ابروان از مسئله شناسایی «کشترار ارمنی‌ها» نیست، عملاً امیدهای ترکیه به منتفی شدن این موضوع و شناسایی مرزهای دو کشور از جانب ارمنستان پس از عادی سازی مناسبات کم‌رنگتر شده است.

موانع اصلی عادی سازی مناسبات بین ترکیه و ارمنستان

ترکیه و ارمنستان در مناسبات دوجانبه اهدافی راهبردی فراتر از برقراری صرف روابط دیپلماتیک دارند. مزیتها و منافع این اهداف بلندمدت هر دو کشور را به سمت تنش زدایی بیشتر در روابط سوق خواهد داد. ارمنستان اهداف و ملاحظاتی راهبردی مانند کاهش وابستگی ساختاری نظامی و اقتصادی به روسیه، رفع محاصره سرزمینی و خروج از انزوای ژئوپولیتیکی، کمک به حل بحران اقتصادی ملی، گذار مطمئن از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد، پاسخ به بحران‌های اجتماعی از جمله جلوگیری از مهاجرت گسترده ارمنی‌ها و تضعیف موقعیت جمهوری آذربایجان را پیگیری می‌کند که دستیابی به آنها در گرو تغییر راهبردهای سیاسی و ذهنی در قبال همسایه غربی است. ترکیه نیز اهداف مهمی مانند کاهش فشار آمریکا و اروپا برای بازگشایی مرزها و روابط دیپلماتیک، ورود به اتحادیه اروپا، کمک به تقویت امنیت منطقه ای و حل مسئله قره باغ در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت، جلوگیری از تخریب وجهه بین‌المللی ترکیه به علت طرح مداوم ادعای نسل‌کشی ارمنی‌ها، پیشبرد سریعتر و مطمئن تر پروژه‌های انتقال انرژی خزر و آسیای مرکزی به اروپا و نفوذ و حضور قوی تر در قفقاز در رقابت با روسیه و ایران را در دستور سیاست خارجی نوین خود قرار داده که تحقق بخش مهمی از این اهداف کاملاً در گرو تجدید نظر آنکارا در



مناسبات منطقه ای با ارمنستان است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). با وجود این، برخی عوامل رویکردهای طرفین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در حقیقت، نوعی بن بست سیاسی بین دو کشور به وجود آورده است. لذا نمی‌توان در مورد آینده مناسبات دوجانبه طرفین با قطعیت نظر داد. این بن بست سیاسی و گرایش‌های سیاسی مؤثر در آن را میتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

- با توجه به پیچیدگی واقعیتهای ژئوپولیتیکی قفقاز به نظر می‌رسد هیچ عاملی به اندازه موضوع قره باغ در مناسبات ژئوپولیتیکی ارمنستان با ترکیه و آذربایجان مهم و تأثیرگذار نیست. موضوع قره باغ چنان با منافع ژئوپولیتیکی هر سه دولت گره خورده است که نمیتوان نقش آن را در بن بست سیاسی بین آذربایجان- ترکیه با ارمنستان انکار کرد. کیفیت مناسبات هر یک از دو دولت آذربایجان و ترکیه با ارمنستان میتواند در کیفیت مناسبات دوجانبه بین آذربایجان- ترکیه نقش آفرین باشد. به عبارت آشکارتر، هرگونه سازش مثبت بین آذربایجان و ارمنستان موجب تسهیل حل مشکلات بین ترکیه و ارمنستان خواهد شد و بالعکس با توجه به عمق تعلقات ژئوپولیتیکی در روابط بین آذربایجان و ترکیه، تردیدی نیست که هرگونه سازش در روابط بین ترکیه-ارمنستان بدون در نظر گرفتن منافع آذربایجان موجب تنش در روابط آذربایجان و ترکیه شود (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۶).

- حکومت ارمنستان اقدامات دولت عثمانی در سال ۱۹۱۵ را «نسل کشی» معرفی میکند و همواره در عرصه بین‌المللی بر این موضوع تأکید کرده است. این تلاشها که با استقبال برخی قدرتهای اروپایی و محافل آمریکایی مواجه شده، هم پرستیژ بین‌المللی ترکیه را در سطح جهانی خدشه‌دار کرده و هم روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه را با هر کشوری که به شناسایی رسمی دعوی ارمنی‌ها اقدام کرده، مختل ساخته است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). هدف اصلی این است که ترکیه این موضوع را شناسایی کند و بپذیرد تا ارمنستان با بهره‌گیری از تعهداتی قانونی که در قبال این مسئله برای ترکیه قابل تصور است، امتیازات مختلف اقتصادی و سیاسی از این کشور بگیرد.

- ارمنستان مرز خود با ترکیه را کاملاً به رسمیت نمی‌شناسد. علاوه بر این، ظاهراً در اعلانیه استقلال و قانون اساسی ارمنستان ادعاهای نسل کشی و مطالبات مربوط به سرزمینهای شرق آناتولی ترکیه بیان شده است (Anadolu, 2009). در این اسناد اصطلاح «ارمنستان غربی» نیز به چشم می‌خورد. از همه مهم‌تر بیانیه ای درباره حقوق برون مرزی و روابط حسن هم‌جواری وجود دارد که هنوز

دولت ارمنستان آن را امضا نکرده است (Kasim, 2009). هم‌چنین ارمنستان در تحقیقات رسمی دولتی از کوه آرارات (آغریداغی) که داخل مرزهای ترکیه قرار دارد به عنوان سمبل خود استفاده میکند. حتی استفاده از اسم آرارات در زمینه های مختلفی چون عرصه سینما و نامگذاری شهرها به وفور دیده می شود. به عبارتی، این گرایش با نیت خالص هم‌خوانی ندارد.

- این عمل و رویکردها و رفتارهای سیاسی مشابه باعث میشود روابط بین ترکیه و ارمنستان شکل نگیرد. چنان که بحث شد، نفوذ دیاسپورا و گروههای فشار در ارمنستان موجودیت خود را در اینجا نشان میدهد. این گروههای فشار در هر شرایطی از تلاشهای دولت ارمنستان در راستای نزدیکی به ترکیه انتقاد و دولت را مجبور به عقب نشینی کرده اند. به همین نحو افزایش حساسیت اجتماعی به این موضوع در ترکیه شرایط را برای تلاشهای جدید دولت دشوارتر می‌سازد. اگرچه این شرایط دشوار مانند شرایط موجود در ارمنستان نیست، اما ترکیه با مانعی دیگر نیز روبه‌روست و آن دولت آذربایجان است. در حقیقت، دلیل اصلی مسدود بودن دروازه های مرزی ترکیه با ارمنستان همین مسئله است. به راحتی میتوان تصور کرد هر نوع تمایل دولت ترکیه برای بازگشایی مرز با ارمنستان با واکنش گسترده مردم و حکومت آذربایجان روبه‌رو شود. در حقیقت، انتظار دولت و ملت آذربایجان از ترکیه مشروط کردن عادیسازی مناسبات و بازگشایی مرزها به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی اطراف قره باغ و حل مسئله قره باغ در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان است.

جایگاه ارمنستان در چشم انداز مناسبات تجاری ترکیه با قفقاز جنوبی

قفقاز جنوبی به لحاظ ژئواکونومیکی در عرصه تجارت خارجی ترکیه از اهمیتی ویژه برخوردار است و ارزیابی مناسبات تجاری ترکیه با کشورهای منطقه از روندی صعودی حکایت دارد. هر چند با توجه به مقیاس‌های اقتصاد بازاری و بین‌المللی نمیتوان برای این منطقه با بازار ۱۶ میلیونی آن ارزشهای ماکرواکنومیک قائل شد، موقعیت ارتباطی و مواصلاتی منطقه مهم‌ترین مزیت اقتصاد جغرافیایی قفقاز جنوبی است که در عرصه تجارت خارجی ترکیه به این منطقه بار ژئواکونومیکی ویژه‌ای بخشیده است. صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۳۴۰ میلیون دلار بود که این میزان در سال ۲۰۰۸ با ۴۸۸ درصد رشد به حدود ۲۰۰۰ میلیون دلار رسید. با توجه به نمودار ۱، افزایش صادرات ترکیه به کشورهای منطقه سال به سال محسوس است. در این مدت بالاترین حجم واردات ترکیه از منطقه به ارزش ۱۲۲۸

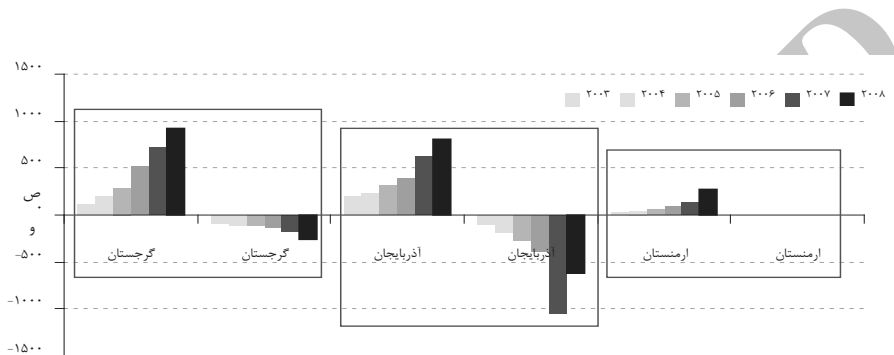


میلیون دلار بوده که به سال ۲۰۰۷ اختصاص دارد و بخش عمده‌ای از آن به واردات منابع نفت و گاز از آذربایجان مربوط می‌شود.

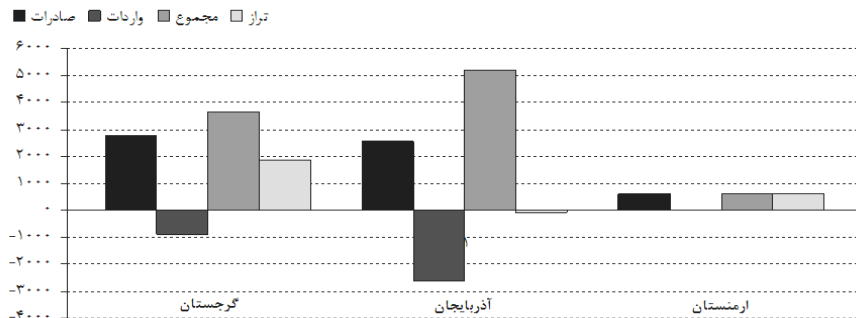
شایان ذکر است در سال ۲۰۰۸ در مجموع صادرات ترکیه به ارمنستان به ارزش ۲۶۷ میلیون دلار بوده که تنها ۱۳ درصد از کل صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی را شامل می‌شود. البته این میزان نسبت به میزان مشابه در سال ۲۰۰۳ با ۳۳ میلیون دلار افزایش ۷۱۰ درصد رشد نشان می‌دهد. در حالی که واردات آذربایجان و گرجستان از ترکیه با ۸۰۷ و ۹۱۶ میلیون دلار ۳ و ۳/۴ برابر صادرات ترکیه به ارمنستان بوده است. هم‌چنین کل تجارت خارجی ترکیه به ترتیب با جمهوری آذربایجان و گرجستان در طول سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ نزدیک به ۵/۸ و ۶ برابر کل تجارت ترکیه با ارمنستان در مدت مشابه با ۶۱۳ میلیون دلار است. موضوع مهم دیگر اینکه کل واردات ارمنستان در سال ۲۰۰۸ به ارزش ۴۱۰/۱/۲ میلیون دلار است که صادرات ترکیه تنها ۱۵ درصد از کل آن را شامل می‌شود. این میزان در سال ۲۰۰۷ نیز ۳/۶۸ درصد بوده است. با این حال، چنان که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، ترکیه بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ هیچ نوع واردات از ارمنستان نداشته است. در عین حال، ارمنستان در قفقاز جنوبی ضعیف‌ترین مناسبات تجاری را با منطقه دارد. ارمنستان نه تنها با آذربایجان هیچ نوع رابطه تجاری ندارد، بلکه طبق آمار ۲۰۰۸، در حالی که کل تجارت خارجی آذربایجان با گرجستان ۸۱۳ میلیون بود، این میزان برای ارمنستان شامل ۱۱۷ میلیون دلار می‌شود.

بدیهی است در صورت عادی شدن روابط بین ترکیه ارمنستان و به تبع آن حل اختلافات بین آذربایجان و ارمنستان توسعه همکاریهای اقتصادی در منطقه دور از انتظار نخواهد بود. از این رو، این وضعیت همراه با رشد و تکامل تحولات منطقه موجب افزایش حجم تجارت ترکیه با منطقه خواهد شد. در حقیقت، به رغم سطح فعلی روابط، با در نظر گرفتن افزایش سالیانه صادرات کلی ترکیه به منطقه، استمرار این روند تزیادی دور از ذهن نیست، هر چند در شرایط فعلی با توجه به شاخصهای اقتصاد کلان کشورهای منطقه افزایش در ابعاد گسترده و در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد. در حقیقت، پتانسیلهای موجود در کشورهای منطقه ذاتاً قادر به خلق فضایی مساعد برای چنین رشدی وسیع نیست. به خصوص در صورت عادی شدن روابط ترکیه با ارمنستان نمیتوان مطابق تصورات موجود، شاهد افزایش بالایی در حجم تجارت فعلی ترکیه با منطقه بود. اگر

مناسبات تجاری ترکیه با گرجستان را در نظر بگیریم، حجم کل تجارت ترکیه با گرجستان در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۱۷۸ میلیون دلار بود که بالطبع سهم واردات غیرمستقیم ارمنستان از ترکیه نیز در آن مستتر است. به دلیل بسته بودن مرز بین ترکیه و ارمنستان تجارت بین طرفین از طریق گرجستان انجام می‌گیرد.



نمودار ۲: تجارت خارجی ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی بر حسب میلیون دلار (ترسیم از نویسندگان)



نمودار ۳: مجموع تجارت ترکیه با قفقاز جنوبی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ به میلیون دلار (ترسیم از نویسندگان)

علاوه بر این، در مقایسه ارمنستان بر مبنای شاخص های اقتصادی و جمعیتی، مشاهده میشود این کشور به لحاظ وسعت بازار جمعیت پایینی دارد و از نظر میزان رشد تولید ناخالص داخلی از کشورهای دیگر منطقه ضعیفتر است. با توجه به نمودار ۳، ارمنستان در مقایسه با آذربایجان که بالاترین حجم تجارت ترکیه در منطقه را به خود اختصاص داده است، جمعیتی کمتر از نصف جمعیت آذربایجان دارد و فاصله رشد تولید ناخالص داخلی آن با میزان مشابه آذربایجان زیاد است. بنابراین، ارمنستان با توجه به پتانسیل فعلی اقتصاد خود خالق سهم



قابل توجهی در زمینه تقویت مناسبات تجاری ترکیه با منطقه نخواهد بود. با این حال، نباید از اهمیت ژئواکونومیکی توسعه مناسبات تجاری ترکیه-ارمنستان برای طرفین به ویژه در سایه تغییر در سیاست خارجی ارمنستان و اتخاذ سیاست خارجی منطقی و قابل قبول غافل بود.

جدول ۱: جمعیت و رشد تولید ناخالص داخلی در قفقاز جنوبی (۲۰۰۷)

گرجستان	ارمنستان	آذربایجان	
۴,۴۰	۳,۰۱	۸,۵۶	جمعیت
۱۰,۱۸	۹,۲۰	۳۱,۲۵	رشد تولید ناخالص داخلی

(The WorldBank.2009)

با توجه به مباحث قبل، ارزیابی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان تنها بر اساس چشم انداز روابط دوجانبه ناقص خواهد بود. از طرف دیگر، در نظر گرفتن منطقه به عنوان یک مجموعه باید مبنای اصلی بحث باشد. در واقع، همراه با رشد و توسعه روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه و افزایش میزان تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، اقتصادهای منطقه میتوانند با نیرو گرفتن از یکدیگر به مرور زمان از پتانسیل های خوبی برخوردار شوند. اینجاست که مناسبات تجاری ترکیه با کشورهای منطقه میتواند با رشدی قابل توجه همراه باشد. هر چند از نظر سیاسی عادی سازی صرف در روابط ترکیه با ارمنستان باعث تقویت جایگاه منطقه ای ترکیه خواهد شد، اما تحقق اقتصادی این شرایط در دوره زمانی کوتاه مدت بعید به نظر می رسد.

با تأمین ثبات در منطقه مهم ترین مزیت های توسعه روابط اقتصادی و سیاسی ترکیه علاوه بر رشد صادرات منطقه ای این کشور، ایجاد شرایط ایده آل برای انتقال منابع انرژی از ارمنستان به ترکیه و بازارهای بین المللی است. هم چنین با افزایش هر چند ناچیز پتانسیل صادرات شهرهای شرق آناتولی ترکیه در مجاورت قفقاز جنوبی، کاهش خطرهای امنیتی مرزهای شرقی و احیای وضعیت اقتصادی شهرهای مرزی ترکیه میتوان مزیت های اجتماعی دیگری چون کاهش مهاجرت از مناطق شرقی ترکیه را نیز از تبعات عادی سازی روابط منطقه ای دانست. البته نباید در مورد تأثیرات عادی سازی روابط ترکیه-ارمنستان، به ویژه در کوتاه و میان مدت، مبالغه کرد.



پیامدهای ژئوپولیتیک عادی سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان

با توجه به روند فعلی یارگیری راهبردی کشورهای قفقاز جنوبی و نیز اهمیت راهبردی منطقه در حوزه رقابت‌های ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی، بدون تردید عادی سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان تحولاتی ویژه در معادلات ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه ایجاد خواهد کرد که این تحولات از منظر هر یک از دولت‌های قفقاز جنوبی، قدرت‌های پیرامونی و بازیگران جهانی و ذی‌نفع در منطقه حایز اهمیت است.

در بعد درون منطقه‌ای، تحول روابط ارمنستان و ترکیه نقطه عطف مهمی در تعیین سرنوشت بحران قره‌باغ است. این تحول به طور متناقضی موقعیت دو دولت آذربایجان و ارمنستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نگاه اول، بهبود روابط ترکیه-ارمنستان موقعیت و پشتوانه منطقه‌ای آذربایجان را تضعیف می‌کند؛ چنان که نشانه‌های نخستین این تحول برای مدتی موجب سردی روابط آذربایجان و ترکیه شد. انتظار آذربایجان از ترکیه مشروط کردن بهبود روابط و بازگشایی مرزها به خروج ارمنستان از مناطق اشغالی پیرامون قره‌باغ و حل مسئله قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی این کشور است. بر اساس راهبرد آنکارا، مشوق‌های امنیتی و اقتصادی ترکیه و آذربایجان برای ارمنستان در قبال حل بحران قره‌باغ و مناطق اشغالی دیگر ابزار و کارت بسیار مهمی هستند تا در آینده ایروان را متقاعد به تعدیل مواضع خود کند. از طرفی، مشروط کردن بهبود روابط و گسترش آن از طرف ترکیه به پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت از جانب ارمنستان مبنی بر حل و فصل مسأله قره‌باغ در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان، اهرم فشار حقوقی مهمی برای روی آوردن ایروان به افکار عمومی جهانی و نیز درخواست قدرت‌های بزرگ برای حل مسأله‌آمیز مسأله خواهد بود (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

در اقتصاد سیاسی بین‌المللی مالکیت و کنترل مسیر خطوط انتقال انرژی مانند مالکیت بر انرژی آثار و منافع راهبردی وسیعی مانند دسترسی به انرژی ارزانتر برای تأمین نیازهای داخلی، سرمایه‌گذاریهای مطمئن، درآمدهای ترانزیتی قابل توجه و قدرت نفوذ بر جریان منابع انرژی و استفاده از آن به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی دارد (ثقفی، ۱۳۸۷: ۲۸). اما فقدان روابط دیپلماتیک و اقتصادی ارمنستان با آذربایجان و ترکیه موجب عدم امکان بهره‌گیری از پتانسیل ژئوپولیتیکی برای تقویت اقتصاد ملی و تداوم وابستگی به



روسیه شده است. به علت حل نشدن بحران قره باغ، ارمنستان در طرحها و پروژه های اقتصادی بزرگ بین‌المللی و منطقهای در قفقاز مشارکت داده نمی‌شود، لذا بیش از قبل احساس تحریم و انزوا می‌کند. حذف ارمنستان از پروژه های مهم انتقال منابع انرژی مانند خط لوله باکو-تفلیس-جیهان و نیز خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و مشارکت ندادن آن در پروژه های در دست ساخت مانند خط آهن باکو-تفلیس-قارص و نیز آزادراه آنکارا-تفلیس-باکو خسارتهای راهبردی و اقتصادی بلندمدتی برای ایروان در پی خواهد داشت. هم‌چنین عدم حضور ارمنستان در این پروژه ها به ویژه طرح ناباکو به مفهوم از دست رفتن فرصتهای تاریخی اقتصادی، تأمین انرژی و حتی امنیت منطقه ای و جدا شدن سرنوشت اقتصادی و سیاسی ارمنستان از دولتهای منطقه در مجامع سیاسی و اقتصادی جهانی است (همان، ص ۱۲۹). بر همین اساس، دولت ارمنستان و صاحب‌نظران دوراندیش سیاسی و اقتصادی میانه رو در این کشور خواهان مشارکت فعالانه ارمنستان در طرحهای بزرگ اقتصادی و انرژی منطقه هستند.

در حقیقت، تحریم اقتصادی و انزوای سرزمینی ارمنستان توسط ترکیه و آذربایجان باعث ایجاد گسلی بزرگ در عرصه همکاری‌های اقتصادی و ارتباطاتی در قفقاز جنوبی به ویژه در زمینه همکاریهای سیاسی-اقتصادی ارمنستان با منطقه شده است. از این رو، بهبود روابط ارمنستان و ترکیه در میان‌مدت و ارمنستان-آذربایجان در بلندمدت، مانع بزرگ همگرایی ساختارهای اقتصادی قفقاز را از میان بر خواهد داشت و اقتصاد منزوی ارمنستان را به اقتصاد پویای ترکیه و اقتصاد در حال رشد آذربایجان پیوند خواهد داد. این تحول مهم را می‌توان مقدمه ورود اساسی ارمنستان به اقتصاد منطقه‌ای و ادغام در اقتصاد جهانی دانست. البته ورود ارمنستان به این فرایند از اهداف راهبردی این کشور است و این تحول، از یک طرف پاسخی به بحران‌های داخلی و از طرف دیگر، گامی مهم در مسیر استقلال اقتصادی این کشور و کاهش وابستگی ساختاری اقتصاد آن به روسیه است. نتیجه این تحول در میان‌مدت و بلندمدت حاکم شدن منطق اقتصادی بر رفتارها و روابط کشورهای قفقاز و کاهش هزینه‌های نظامی و دفاعی و سوق یافتن آن به سمت توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه است. شاید مهم‌ترین پیامد زود هنگام بهبود روابط ارمنستان و ترکیه آغاز تحولی اساسی در عرصه خطوط انتقال انرژی و مسیرهای ارتباطی باشد. البته نباید نادیده گرفت



که ورود ارمنستان به عرصه ترانزیت انرژی و پروژه‌های بزرگی مانند نابوکو و ترانس خزر و همچنین مشارکت در پروژه‌های زیرساختی ارتباطاتی قفقاز جنوبی مانند خط ریلی باکو- تفلیس- قارص، آزادراه باکو- آنکارا و آزادراه ساحلی دریای سیاه مشروط به حل بحران قره‌باغ است (همان، ص ۱۲۷).

از منظر منافع ایران باید به این نکته اشاره کرد که ارمنستان تنها همسایه غیرمسلمان ایران است، اما در میان تمام همسایگان مسلمان ایران کمترین چالش سیاسی و امنیتی را با ایران داشته است. شاید علت اصلی نیاز این کشور به ایران برای ارتباط با جهان خارج به منظور برقراری نوعی توازن قدرت در قفقاز جنوبی است. با توجه به اینکه ارمنستان در شرق بر سر مسئله قره باغ با آذربایجان مشکل دارد، در شمال پس از رویدادهای آگوست ۲۰۰۸ گرجستان، احساس ناامنی میکند و در غرب با ترکیه مشکلات اساسی دارد، دور از ذهن و غیرواقعی بینانه است که روابط ایران و ارمنستان به طور کلی تحت تأثیر بهبود مناسبات ایروان- آنکارا قرار گیرد. اما نتیجه این تحولات جدید با توجه به رهایی ارمنستان از انزوا و وابستگی سنتی به ایران به معنای تنگ تر شدن فضای حضور ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی قفقاز است (کوزه‌گر، ۱۳۸۸: ۱۸). اتفاق قابل تصور دیگر این است که اگر ترکیه نتواند در مسیر عادی سازی روابط با ارمنستان منافع ملی آذربایجان را حفظ کند و روند عادی سازی روابط در راستای منافع ملی آذربایجان نباشد، ممکن است به طور مقطعی شاهد رویگردانی آذربایجان از ترکیه و نزدیکی آن به ایران باشیم. این موضوع در مورد گرجستان نیز صدق میکند. در حقیقت، فاصله‌گیری گرجستان از پروژه‌های کلان اقتصادی و نیز جریان تجارت خارجی ارمنستان ممکن است این کشور را به ایران متمایل تر کند.

عادی سازی مناسبات ترکیه- ارمنستان در بعد برون‌منطقه‌ای نیز با پیامدهایی خاص همراه است. پس از فروپاشی شوروی، به تدریج نظام منطقه‌ای ویژه‌ای در قفقاز جنوبی شکل گرفت که بازیگران اصلی آن سه قدرت منطقه‌ای روسیه، ایران و ترکیه بودند. در حقیقت، منافع و ملاحظات امنیتی، تاریخی و فرهنگی این کشورها و سه کشور قفقاز جنوبی باعث شد که به تدریج ائتلاف‌ها و همگرایی‌های نسبتاً پایداری بین روسیه، ایران و ارمنستان از یک طرف و ترکیه، آذربایجان و گرجستان از طرف دیگر شکل بگیرد. هر یک از این گروه‌ها در دو دهه گذشته، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی گسترده و رقابت‌آمیزی در قالب برخی اتحادیه‌ها یا پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای شکل



داده و سعی کرده اند دست کم در مسائل منطقه‌ای مواضع و منافع خود را همسو کنند. با توجه به اینکه ارمنستان و ترکیه در دو طرف متقابل موازنه رقابت در منطقه قرار دارند و پیشینه روابط خصومت‌آمیز آنها هویتی خاص به این ائتلاف‌ها داده است، تحول در روابط آنها مرزهای هویتی و سیاسی نظام منطقه‌ای دوقطبی را که در دو دهه گذشته استحکام پیدا کرده، دچار ازهم گسیختگی می‌کند. این دگرگونی در مرزهای ایدئولوژیک و هویتی می‌تواند شروعی مهم برای تغییر و تحول در توازن قدرت در نظام دوقطبی منطقه و ائتلاف‌های موجود باشد. به عبارتی، ورود ارمنستان به این فرایند که برای رفع آثار تحریم و انزوای جغرافیایی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی اجتناب‌ناپذیر است و یکی از اهداف راهبردی ارمنستان در بهبود روابط با ترکیه به شمار می‌رود، ممکن است معادله قدرت را در منطقه به نفع ترکیه تغییر دهد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

از منظر منافع اروپا و آمریکا، بهبود مناسبات ایروان- آنکارا به معنی تنگ تر شدن فضای تحرک روسیه و ایران در قفقاز به ویژه در زمینه انتقال انرژی، با ایجاد بستر مناسب برای دو پروژه حیاتی باکو- تفلیس- جیهان و نابوکو خواهد بود. بهبود مناسبات ترکیه- ارمنستان بستری مناسب برای نفوذ بیشتر آمریکا در معادلات قفقاز فراهم می‌کند. از دید واشنگتن، به هر میزان که ارمنستان در صحنه معادلات منطقه فعال تر گردد و از وابستگی آن به ایران و روسیه کاسته شود، می‌توان این کشور مسیحی و برخوردار از تشابهات فرهنگی و تمدنی بسیار با جهان غرب را به خصوص به لحاظ موقعیت راهبردی به غرب نزدیکتر کرد (کوزه‌گر، ۱۳۸۸: ۱۹). ارمنستان در صورت عادی کردن روابط با ترکیه، گامی بسیار بزرگ در این مسیر خواهد داشت. دو عامل دیگر نیز در تعیین رویکرد اتحادیه اروپا در قبال منطقه تأثیرگذارند. یکی از آنها تأثیرات خطوط لوله موجود و در دست احداث در منطقه روی امنیت انرژی اتحادیه اروپاست. عامل دوم سیاست همکاری اروپا با شرق است که هدف اصلی آن کمک‌های مختلف به شش جمهوری شوروی سابق است. در راستای این رویکرد، مساعدت به کشورهای اوکراین، مولداوی، بلاروس، گرجستان، آذربایجان و ارمنستان در حوزه‌های مختلف چون پشتیبانی از ارگانهای دولتی و اقتصادی و نیز امنیت مرزی پیشبینی شده است (Çomak, 2009).

در این بین به نظر میرسد کرملین نیز در تغییری نسبتاً آشکار سعی دارد روابط خود را با ارمنستان برپایه مناسباتش با آذربایجان و ترکیه تنظیم کند.



روسیه از نظر منافع ژئوپولیتیکی برای مقابله با راهبرد ناتو دست کم به روابط عادی با آذربایجان و ترکیه نیاز دارد. در واقع، روسیه برای دور کردن آمریکا از مسائل منطقه در اندیشه تحکیم مواضع خود در قفقاز است. از دلایل دیگر نزدیکی روسیه به آذربایجان این است که می‌تواند از این طریق بر ارمنستان فشار وارد کند. از طرف دیگر، روسیه تلاش دارد با پیشبرد گزینه سه منهای یک (روسیه، آذربایجان، ارمنستان منهای گرجستان)، با دور کردن آذربایجان از گرجستان این کشور را در منطقه منزوی سازد و در تنگنا قرار دهد (ابراهیم معاصر تهران، ۱۳۸۷: ۴۲). با اینکه روسیه در رویدادهای اخیر گرجستان چیزی از دست نداد، با توجه به این تجربه بد دیگر نمی‌خواهد منطقه شاهد درگیری تازه‌ای باشد و در واقع، تثبیت ثبات منطقه در راستای منافع روسیه جزو آرزوهای دیرین مسکو است. علاوه بر این، روسیه می‌خواهد با حمایت از عادی سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان و به تبع آن جلب رضایت ترکیه از روند رو به توسعه مناسبات مسکو با آنکارا و نیز اعتماد متقابلی که در سالهای اخیر بین طرفین شکل گرفته است، محافظت کند (Bülent, 2009).

روسیه قصد دارد با هر دو کشور ارمنستان و آذربایجان روابط خوبی برقرار کند. از دید روسیه، ارمنستان در حوزه راهبردی و نظامی اهمیت دارد و آذربایجان نیز به لحاظ منابع انرژی و مالی کشوری مهم است. از طرف دیگر، روسیه خود را در شرایطی می‌بیند که مجبور است رضایت هر دو طرف را جلب کند. هم‌چنین با بازگشایی مرز بین ترکیه-ارمنستان بخش عمده‌ای از تجارت ارمنستان به جای بندر پوتی گرجستان از بندر ترابزون ترکیه انجام می‌گیرد. در این صورت روسیه طبق اهداف خود می‌خواهد تجارت خارجی ارمنستان را از انحصار گرجستان خارج کند. شایان ذکر است روسیه علاوه بر پیروزی نظامی در گرجستان، هم‌زمان با شناسایی استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی یک پیروزی سیاسی نیز کسب کرد. با این حال، قطع کامل روابطش با گرجستان بیش از پیش ارمنستان را منزوی کرده است. به این دلیل، از دید روسیه، بازگشایی مرز ترکیه-ارمنستان و بهبود مناسبات بین طرفین که موجب آسایش خاطر ارمنستان، شریک راهبردی روسیه در قفقاز جنوبی، و رهایی آن از وابستگی به گرجستان خواهد بود، اتفاق خوشایندی است. علاوه بر این، در صورت عادی شدن روابط ترکیه-ارمنستان خطوط انتقال انرژی و ارتباطی غرب از گرجستان به مناطق جنوبیتر یعنی ارمنستان منتقل خواهد شد. اما در صورت بروز دوباره جنگ بین ایروان و باکو سناریوهای پیشین بار دیگر تکرار خواهد شد و روسیه



در جبهه ارمنستان و ترکیه در جبهه آذربایجان قرار خواهند گرفت و چنین اتفاقی به راحتی موجب تیرگی مجدد مناسبات مسکو با آنکارا، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری امروز روسیه، و آذربایجان خواهد شد، در حالی که روسیه سعی دارد به این کشور به دلیل اهمیت منابع انرژی آن بیش از پیش نزدیک شود.

پیامدهای راهبردی عادی سازی روابط از دیدگاه ترکیه نسبت به کشورهای دیگر متمایزتر است. سیاست عادی سازی روابط ترکیه با ارمنستان نوعی دیپلماسی برقراری صلح محسوب میشود (Özdem, 2009). از دیدگاه ترکیه که در مسیر عضویت در اتحادیه اروپا گامهای ثابتی برداشته است، روابط مبتنی بر صلح و ثبات با کشورهای همسایه و پیرامونی از اهمیتی ویژه برخوردار است. ترکیه در چارچوب سیاست خارجی چند بعدی، از یک طرف سیاست حل مشکلات از طریق گفت‌وگو در قالب رویکرد صفر کردن مشکلات با همسایگان را دنبال میکند و از طرف دیگر، با هدف ایجاد یک کمربند صلح در محیط پیرامونی خود به عنوان بازیگر میانجیگر در بحرانهای منطقه‌های ظاهر میشود. در حقیقت، اگر هیچ نوع تحولی در مناسبات ترکیه-ارمنستان حاصل نشود، به نوعی ماهیت سیاست ایجاد کمربند صلح زیر سؤال میرود. ترکیه با ایده کمک به شکل گیری زمینه همکاری در منطقه و مساعدت به برقراری ثبات در منطقه در پی عادی سازی روابط دوجانبه است. ترکیه در صورت بهبود روابط خود با ارمنستان به عنوان یک قدرت منطقه ای جایگاه خود را در منطقه ارتقا خواهد داد (Bülent, 2009).

همچنین ترکیه به دنبال تقویت روابط کشورهای قفقاز جنوبی با غرب و تضعیف نفوذ روسیه در این کشورهاست. روابط پیشرفته ترکیه با آذربایجان و گرجستان به وضوح این مسئله را نشان می دهد. ارمنستان پاشنه آشیل قفقاز جنوبی است. هم‌زمان با بهبود روابط ترکیه-ارمنستان، فاصله گیری ایروان از روسیه و نزدیک شدن آن به غرب پیروزی بزرگی خواهد بود. هم‌چنین با عادی شدن روابط ترکیه و ارمنستان عرصه برای حضور بخش خصوصی ترکیه در بازار ارمنستان مهیا و تجارت در مناطق شرقی ترکیه احیا خواهد شد. ترکیه هم‌زمان با عبور خطوط ارتباطی و انرژی بین‌المللی از روی خاکهای خود می خواهد به یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های انرژی دنیا تبدیل شود که تنها چاره آن تأمین امنیت منطقه و پایداری ثبات آن است. اما روابط تنش آلود بین ترکیه-ارمنستان در این زمینه مانعی جدی است. بنابراین، با بهبود روابط طرفین





گامهای مهمی در این عرصه برداشته خواهد شد.

تجزیه و تحلیل یافته ها

به رغم موانع بزرگ موجود سر راه عادی سازی مناسبات ترکیه-ارمنستان، با توجه به واقعیت‌های ژئوپولیتیکی منطقه، بهبود مناسبات دوجانبه ممکن است فرصتها و تنگناهایی متفاوت در ژئوپولیتیک منطقه خلق کند. در حال حاضر، ارمنستان که ضعیف ترین کشور قفقاز جنوبی است، در ژئوپولیتیک منطقه نقش کلیدی بازی می کند. به عبارتی، نقش جهت گیری های سیاست خارجی این کشور در شکل دهی به ماتریس ژئوپولیتیکی منطقه در مقایسه با سایر کشورها پررنگتر است و تغییر سیاست خارجی این کشور در قبال کشورهای پیرامونی، به ویژه ترکیه و آذربایجان، ممکن است به کلی معادلات ژئوپولیتیکی منطقه را متحول سازد. اگر عادی سازی مناسبات دوجانبه و خروج ارمنستان از انزوای اقتصادی و سرزمینی مکمل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آذربایجان و گرجستان به ویژه ثبات منطقه ای شود، به تدریج از میزان وابستگی ارمنستان به روسیه و ایران به لحاظ دفاعی-امنیتی و اقتصادی و انرژی کاسته می شود و زمینه حضور و مشارکت بیشتر ارمنستان در پروژه های امنیتی و اقتصادی غرب افزایش می یابد و بدین ترتیب، راه برای حضور قدرتمند ترکیه در اقتصاد صنعتی، تجاری و انرژی ارمنستان و کل قفقاز و حتی آسیای میانه هموارتر می گردد. از این رو، اگر ترکیه بتواند مناسبات خود را با ارمنستان در چارچوب منافع ملی تمام کشورهای منطقه بهبود بخشد، شاید بتوان گفت ترکیه کل منطقه را خواهد بلعید. البته به شرطی که کل منطقه به صورت مجموعه ای منسجم عمل کند، در حالی که سایر کشورهای منطقه با دو جبهه شمالی (روسیه) و جنوبی (ایران) چندان روابط رضایت بخشی ندارند. از این گذشته، بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان به دور از منافع سایر کشورهای منطقه تنها برای ارمنستان سودآور خواهد بود. به عبارتی، نادیده گرفتن منافع سایر کشورهای منطقه در مسیر عادی سازی روابط طرفین موجب از دست رفتن منافع ترکیه در مناسباتش با آذربایجان و گرجستان خواهد شد. بدین ترتیب، ترکیه نه تنها در مناسبات خود با ارمنستان بازی را خواهد باخت، بلکه جایگاه فعلی خود را در منطقه از دست خواهد داد. بنابراین، چنان که بیشتر کارشناسان سیاسی در خصوص ارتقای جایگاه ترکیه در منطقه معتقدند، مسئله

به این راحتی نیست. حتی اگر ترکیه بتواند رضایت کل منطقه را جلب کند، نمی توان به دستاوردهای کلان ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک کوتاه مدت ترکیه در منطقه امیدوار بود. شایان ذکر است بر این اساس پیش بینی می شود، اگر ترکیه و ارمنستان نتوانند در روند عادی سازی مناسبات دوجانبه رضایت کامل آذربایجان و گرجستان را جلب کنند، انتظار می رود با بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان و تبعات آن در سیاست خارجی هر کدام از کشورهای منطقه، برای مدتی کوتاه، با جابه جایی مقطعی در یارگیری های راهبردی در منطقه، شاهد نوعی تضعیف یا تقویت نسبی مناسبات سنتی بین بازیگران باشیم که قطعاً نمی توان روند فوق را پایدار دانست و شاید نتیجه میان مدت آن برقراری نوعی توازن قدرت و مناسبات برون منطقه ای در قفقاز جنوبی باشد.

شایان ذکر است تأمین تمامیت ارضی آذربایجان همراه با حل بحران قره باغ از عوامل مهم تأثیرگذار در سیاست ملی این کشور است؛ در حالی که موضوع قره باغ با بازی های ژئوپولیتیک قدرت های بزرگ منطقه و فرامنطقه ای گره خورده است و این امر تبعات ناشی از بحران قره باغ را پیچیده کرده که شاید در نوع خود استثنا باشد. در این راستا، به وضوح می توان تصور کرد بدون در نظر گرفتن منافع آذربایجان، عادی سازی روابط ترکیه به عنوان بزرگ ترین همراه و دوست تاریخی آذربایجان با ارمنستان به عنوان بزرگ ترین دشمن تاریخی آذربایجانی ها ممکن است چه تبعاتی در روابط بین دو کشور داشته باشد. اگر آذربایجان احساس کند در مسئله قره باغ از جانب بزرگ ترین دوست و متحد خود در تنگنا قرار گرفته است، از دید روان شناسی ژئوپولیتیک، بزرگ ترین و سنگین ترین بار، انزوای ژئوپولیتیک آذربایجان در دوره پس از استقلال خواهد بود. البته منطق ژئوپولیتیک حکم می کند ترکیه به دنبال توسعه منافع خود در منطقه باشد، لذا با فدا کردن آذربایجان در مقابل ارمنستان از حوزه منافع خود در منطقه نمی کاهد.

از دید قدرتهای صاحب نفوذ در منطقه نیز پیامدهای احتمالی بهبود روابط ترکیه-ارمنستان با پیچیدگی هایی خاص همراه است. برای مثال از دیدگاه روسیه، عادی شدن روابط ترکیه-ارمنستان و نیز حل بحران قره باغ موجب نزدیکی بیش از پیش آذربایجان و ترکیه به روسیه خواهد شد و این مسئله به میزان زیادی از نفوذ غرب در منطقه خواهد کاست. از این گذشته، نقش روسیه در معادلات ژئوپولیتیک انرژی منطقه افزایش خواهد یافت. از طرف

دیگر، از دیدگاه غرب، عادی شدن روابط ترکیه-ارمنستان و نیز حل بحران قره باغ موجب نزدیکی ارمنستان به غرب خواهد شد که جایگاه غرب را در منطقه ارتقا خواهد داد. به علاوه، بهبود مناسبات طرفین کاملاً در جهت طرحهای کلان اقتصادی غرب در منطقه است. با این حال، نمی‌توان هم‌زمان شاهد نزول (از دید روسیه) و ارتقای (از دید غرب) جایگاه غرب در منطقه بود. بنابراین، با بهبود مناسبات ترکیه-ارمنستان شاید شاهد نوعی توازن نفوذ بین قدرت‌های ذی‌نفع در منطقه باشیم، به شرطی که بهبود مناسبات طرفین با رعایت منافع سایر کشورهای منطقه همراه باشد. در غیر این صورت، چنان که بیان شد، نه تنها ترکیه پیروز این بازی حساس نخواهد بود، بلکه با جابه‌جایی در یارگیری راهبردی کشورهای منطقه، غیر از روسیه، کشورهای ذی‌نفع در منطقه نیز بازی را خواهند باخت. در حقیقت، تنها روسیه می‌تواند در این بازی حساس با جلب توجهات آذربایجان پیروز واقعی میدان باشد.

نتیجه‌گیری

قفقاز جنوبی به دلیل قرار گرفتن در مسیر انتقال منابع انرژی به اتحادیه اروپا و نیز مسائل امنیتی برای اروپا از اهمیتی ویژه برخوردار است. بنابراین، اتحادیه اروپا از توسعه روابط بین ترکیه-ارمنستان حمایت می‌کند. از دیدگاه اروپا، این موضوع در مسیر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا برای ترکیه مطرح خواهد شد. آمریکا نیز خواهان حل زودهنگام این مسئله است و به منظور تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی به این موضوع اهمیتی ویژه می‌دهد. روسیه هم به نوعی برای نیل به اهداف راهبردی خود در قفقاز از عادی سازی این روند حمایت می‌کند. با این حال، به لحاظ منطق ژئوپولیتیکی این اجماع قدرتهای بزرگ تنها بعد تاکتیکی دارد و بی‌شک پایداری آن همیشگی نیست.

از دید منافع ترکیه در منطقه، در حال حاضر، ارزیابی مناسبات تجاری کشورهای منطقه از وجود شبکه تجاری و اقتصادی بسیار ضعیف در منطقه حکایت دارد. هم‌چنین شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی ارمنستان نشان می‌دهد که این کشور پتانسیل اقتصادی چندان قوی ندارد. با این حال، اگر در سایه عادی سازی روابط ترکیه-ارمنستان توسعه روابط آذربایجان-ارمنستان را نیز در نظر بگیریم، با توجه به نتایج حاصل از بهبود روابط موجود، تقویت گفتمان همکاری بین کشورهای قفقاز جنوبی و همراه با تأمین ثبات در منطقه، رشد و تقویت اقتصادهای منطقه به مرور زمان نیل به حجمی گسترده در عرصه



تجارت منطقه غیرممکن نخواهد بود. بالطبع، در چنین شرایطی، دیگر توسعه مناسبات تجاری ترکیه با ارمنستان نباید موجب ناخوشایندی آذربایجان و به ویژه گرجستان باشد. به علاوه، با توجه به اهمیت ژئواکونومیکی منطقه برای اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه، زمینه برای توسعه سرمایه گذاری و رقابت های اقتصادی قدرتهای بزرگ در منطقه بیش از پیش فراهم خواهد شد. هر چند برای تحقق همه این موارد، به خصوص بهبود مناسبات دوجانبه ارمنستان با ترکیه و آذربایجان، اتخاذ تصمیم های سیاسی کاملاً منسجم، منطقی و در کل مستقل و پایدار و اجرایی کردن آنها ضروری است و لازمه آن حل و فصل تمام موانع موجود است.

به لحاظ ژئوپولیتیکی رویکرد تک بعدی به عادی شدن روابط ترکیه با ارمنستان نتایج ناکارآمدی خواهد داشت. این موضوع تنها باعث تغییرات تاکتیکی و مقطعی در مناسبات کشورهای قفقاز جنوبی با بازیگران منطقه ای و برون منطقه ای خواهد شد که با توجه به ماهیت ایدئولوژیک منافع طرفین نمی تواند پایدار باشد. از این دیدگاه، منطقه باید به عنوان مجموعه ای منسجم در نظر گرفته شود و نتایج به دست آمده نیز در این مجموعه مورد ارزیابی قرار گیرد. عادی شدن مناسبات ترکیه-ارمنستان در فاصله زمانی کوتاه یا میان مدت قبل از همه برای اقتصاد ارمنستان و جایگاه منطقه ای آن مفید خواهد بود. البته به لحاظ سیاسی میتوان در میان مدت و در صورت تحقق شرایط خاص یادشده از منافع بلندمدت ترکیه در منطقه صحبت کرد، چون تلاشهای ترکیه برای برقراری ثبات در منطقه، علاوه بر تقویت وجهه بین المللی و منزلت ژئوپولیتیکی این کشور موجب تقویت نفوذ آن در قفقاز خواهد شد. هم چنین با این روند یکی دیگر از موانع سیاسی ترکیه در مسیر عضویت در اتحادیه اروپا برطرف خواهد شد.

منابع فارسی:

- بولتن قفقاز (۱۳۸۷)، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- داداندیش، پروین (۱۳۸۶)، «گفتمان ژئوپولیتیک در آسیای مرکزی: عرصه های تعامل ایران و روسیه»، فصلنامه ژئوپولیتیک، ش ۷.
- اوتوتایل، ژاروید و دیگران (۱۳۸۰)، اندیشه های ژئوپولیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ولی قلی زاده، علی و یاشار ذکی (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی ایران برای کشورهای CIS»، فصلنامه ژئوپولیتیک، ش ۱۳.
- ولی قلی زاده، علی، (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیرات عادیسازی روابط ترکیه-ارمنستان بر روابط آذربایجان با ترکیه»، فصلنامه آسیای مرکزی، ش ۷۱.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶)، ژئوپولیتیک انسان‌گرا، فصلنامه ژئوپولیتیک، ش ۹.
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۸)، «چشم انداز توازن قدرت در قفقاز در پرتو تحول در روابط ترکیه-ارمنستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۶.
- ثقفی عامری، ناصر و سعید تقی‌زاده (۱۳۸۷)، سیاست خطوط لوله، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، ش ۲۷-۲۶.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، «بهبود روابط ترکیه و ارمنستان و تأثیر آن بر تحولات منطقه قفقاز»، گزارش راهبردی ۲۹۵، زیر نظر محمود واعظی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک

منابع لاتین:

- Anadolu (2009), "Türk-Ermeni ilişkileri'nin Dünü Bugünü".
- Bülent, Aras & Özbay, Fatih (2009), "Türkiye ve Ermenistan: Statüko ve Normalleşme Arasında Kafkasya Siyaseti", *SETA Analiz*, N: 16
- Bülent, Aras (2009), "Ermenistanda Durum Nedir?" *Sabah*, 09.09.2009.
- Özdal, Barış (2009), "Turkish-Armenian Dialogue: Is this the Beginning of a Long Process", *Ortadoğu Analiz*, No 10.
- Güngör, Bayram (2008), "Türkiye-Ermenistan Sınırının Açılması Neden Gündemde?: jeoekonomik Bakış", *International Journal of Economic and Administrative Studies*, Year 1, Vol.1, N. 1.
- Şimşir, Bilal (2005), *Ermeni Meselesi (1774 – 2005)*, Ankara: Bilgi Yayınevi.



- Fakir, Cem (2005), “Ermeni Sorunu: Çözüm”, <http://arxiv.nvtmsnbc.com/news/321308.asp>, 07. 07. 2009.
- Çandar, Cengiz (2009), “Zihinleri Açmak , Sınırları Açmak”.
- Özbay, Fatih (2011), “Türkiye_Ermenistan İlişkileri”, BİLGESAM, Report N. 25.
- Kyureghian, Gayaneh & Vahe Heboyan (2004), **Opening Armenia_Turkey Border: Measuring the Economic Impact**, International Food and Agribusiness Management Association 14th Annual World Food and Agribusiness Forum & Symposium, Montreux, Switzerland.
- Çomak, İhsan (2009), “Karabağ Sorununda Uluslararası Konjonktürün Önemi”, BİLGESAM,http://www.bilgesam.org/tr/index.php?option=com_content&view=article&id=455:karabağ_sorununda_uluslararası_konjonktueruen_oenemi&catid=86:analizler_kafkaslar&Itemid=148, 16. 09. 2009.
- International Crisis Group (2009), *Türkiye ve Ermenistan: Kalıpları Kırmak, Sınırları Açmak, Kriz Grubu Avrupa Raporu N 199*.
- Kamer, Kasım (2009), “Türkiye_Azerbaycan_Ermenistan Üçgeni”.
- Çiçek, Kemal (2009), “Osmanlı Ermenilerinin 1915’teki Tehciri: Bir Değerlendirme”.
- MFA (2009a), “Türkiye Ermenistan Siyasi ilişkileri”.
- MFA (2009b), Türkiye Cumhuriyeti ile Ermenistan Cumhuriyeti Arasında Diplomatik ilişkilerin Kurulmasına Dair Protokol, http://www.mfa.gov.tr/data/DIŞPOLITIKA/türkiye_ermenistan_türkce.pdf, 25. 12. 2009.
- Lütem, Ömer E (2007), “Türkiye ve Ermenistan’ın Güncel ilişkileri”, Ankara, 2. Cilt, Ermeni Araştırmaları 2. Türkiye Kongresi Bildirileri, Aşam Yayınları.
- Sanberk, Özdem (2009), “Barış Diplomasisi”.
- Cohen, Saul. B (1994), Geopolitics in the New world Era, Recording the World, Edited by G. J. Demko and W. B. Wood, Westview Press, U. S. A.
- The Economist, (2008), “A Caucasian Cheese Circle”.
- Demirağ, Yelda (2006), “Güney Kafkasya Politikası”, **Kafkasya Araştırma ve Analiz Dergisi**, No 1.
- <http://hurarşiv.hurriyet.com.tr/goster/haber.aspx?id=11538156&yazarid=215>, 29. 04. 2009

أشرح النتائج الجيو سياسية لتطبيع العلاقات بين تركيا و أرمينيا

على ولى قلى زاده^١

كاظم ذوقى بارانى^٢

قبل: ١٤٣٢/٨/٢٩

تسلم: ١٤٣٢/٦/١٤

يحلل هذا المقال بالنظر إلى العلاقات الماضية والحالية بين تركيا و أرمينيا و عملية تطبيع العلاقات بين البلدين و دراسة إهمّ العوامل المؤثرة فيها، يحلّل النتائج السياسية و الإقتصادية لتطبيع العلاقات هذه على صعيد المنطقة من منظر الجيو سياسى . تشير نتائج البحوث إلى أنّ تطوير العلاقات بين تركيا و أرمينيا لا تستفيد منها تركيا إلا إذا تراعى مصالح دول المنطقة في تطبيع علاقاتهما. لأنّ تجاهله سيؤدى إلى تضييع مصالح تركيا في علاقاتها مع أذربيجان و جورجيا. أيضاً بالنسبة إلى القوى المتغلغلة في المنطقة هناك تداعيات محتملة لتطوير العلاقات بين تركيا و أرمينيا التي تتلازم مع تعقيدات خاصّة و بعد تطوير العلاقات بين البلدين من المحتمل أن نشاهد ضرباً من توازن التغلغل بين القوى المعنوية

الكلمات الرئيسية:

تركيا، أرمينيا، تطبيع العلاقات، الجيو سياسى



١-طالب الدكتوراه فى الجيو سياسى، جامعة تربية مدرس

٢-طالب الدكتوراه فى الجيو سياسى، جامعة تربية مدرس